

تحقیق هفته

شماره: 490

(16 - 20 سنبله 1404 هـ ش)

نگاه فدراسیون روسیه به افغانستان؛ تبصره‌ای تحلیلی بر یک مقاله



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- نگاه فدراسیون روسیه به افغانستان؛ تبصره‌ای تحلیلی بر یک مقاله 3
- نگاه کلی به محتوای مقاله 3
- تحلیل محتوای مقاله 5
- هدف‌شناسی روس‌ها از طرح چنین مسائلی 7
- نتیجه‌گیری 8
- پیشنهادات 8
- منابع 9

نگاه فدراسیون روسیه به افغانستان؛ تبصره‌ای تحلیلی بر یک مقاله

سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت ملی روسیه که قبلاً وزیر دفاع این کشور بود، بلندپایه‌ترین مقام روس است مقاله‌ای را تحت عنوان: «افغانستان: راه پرچالش به سمت ثبات» به تاریخ ۲۹ اگست ۲۰۲۵ که برابر با ۷ سنبله ۱۴۰۴ خورشیدی می‌شود، در روزنامه روسیاسکایا گازیتا (Rossiyskaya Gazeta) در مورد افغانستان به نشر رسانده است. مقاله شویگو از چند جهت قابل توجه است. یکی اینکه این مقاله از قلم یکی از بلندپایه‌ترین مقام امنیتی روسیه نوشته می‌شود و طبیعتاً بازتاب‌دهنده دیدگاه کلی و رسمی دستگاه‌های امنیتی و عموماً کرم‌لین روسیه در مورد افغانستان است. دیگر اینکه این نوشته در یک روزنامه دولتی با اعتبار بالایی نشر شده که این مورد نیز بیانگر اهمیت این موضوع در محافل رسانه‌ای روسیه است. سوم اینکه این مقاله در حالی نوشته می‌شود که روسیه اولین و تا فعلاً تنها کشوری است که امارت اسلامی افغانستان را تقریباً دو ماه پیش از نوشتن مقاله مذکور به رسمیت شناخته است. با توجه به این سه نکته پرسش‌های ذیل قابل طرح است: صحت و سقم ارزیابی‌های شویگو در مقایسه با وضعیت میدانی افغانستان چگونه است؟ و اینکه چرا یکی از مهم‌ترین و بلندپایه‌ترین مقامات کرم‌لین در خصوص افغانستان مقاله‌ای را با محتوای امنیتی و تقریباً منفی گرایانه بنویسد و از چنین فضا سازی روس‌ها به دنبال چه بهره‌برداری‌هایی می‌باشند؟

نگاه کلی به محتوای مقاله

قبل از هر چیز شویگو در ابتدای مقاله خود این جمله را به عنوان دیدگاه کلی و اصلی خود که قطعاً منعکس کننده ارزیابی کلی دولت روسیه در مورد رابطه غرب با افغانستان می‌باشد نوشته است: «تمام مسئولیت کامل بازسازی افغانستان پس از درگیری باید بر عهده کشورهای غربی باشد.» در ادامه به صورت کلی مقاله به سه نکته اساسی پرداخته است. نکته اول برجسته کرده است که در مقاله یادآوری شده خروج شرم‌آور و آشفته امریکا از افغانستان که نویسنده در جایی از مقاله از لفظ «فرار» استفاده کرده در اگست ۲۰۲۱ می‌باشد. چنانچه در ابتدای مقاله نگاشته شده: «پس از گذشت چهار سال، تصاویر تکان دهنده فرار شرم‌آور یکی از پیشرفته‌ترین، قدرتمندترین و فناوری‌های ارتش‌های جهان از این کشور جنوب آسیا [افغانستان] هنوز در خاطرها تازه است. خروج نامنظم و برنامه‌ریزی نشده نیروها که منجر به تلفات میان غیرنظامیان افغان شد، تجسم کامل شکست خط مشی دولت جو بایدن در جبهه افغانستان و همچنان هرج و مرج حاکم بر سیاست خارجی امریکا در دوران دموکرات‌ها بود.»^۱ این عبارت که در ذیل آن تصویری از یک طیاره نظامی امریکا در حال حرکت در زمین که جمع زیادی از مردم در اطراف آن می‌دوند نیز مستند سازی شده است. می‌شود گفت که انتخاب زمان مقاله برای انتشار هم‌زمان با سالگرد چهارمین سال خروج امریکا

از افغانستان هم جنبه تبلیغاتی داشته و با این هم‌زمانی این مقام روسیه خواسته جایگاه قدرت و صلابت امریکا را با یادآوری خروج آن کشور از افغانستان یکبار دیگر نزد افکار عامه روسیه و جهان به زمین بزند.

موضوع دوم در مقاله، از سفر خود در نومبر ۲۰۲۴ به کابل و ارزیابی از سیاست‌های امارت اسلامی یادآوری شده است. به بارو شویگو در کابل این درک وجود دارد که از طریق تعامل سیاسی می‌شود با دیگران به خصوص روسیه تعامل سازنده داشت و اینکه این نتیجه‌گیری هم شده است که مقامات کابل می‌دانند که برای توسعه اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأمین امنیت فاکتور سرنوشت‌ساز است.^۲

موضوع مهم دیگر مواد مخدر است. در مورد مواد مخدر نویسنده روند رشد و گسترش کشت مواد مخدر را در افغانستان که از دهه ۱۹۸۰ به این سو شروع شده بررسی کرده و با تکیه بر آمار و ارقام منابع دیگر از جمله سازمان ملل متحد آنرا تحلیل کرده است. به باور نویسنده: «تولید مواد افیونی در افغانستان از دهه ۱۹۸۰ بزرگ‌ترین فعالیت اقتصادی غیرقانونی بود و تا سال ۱۹۹۹ به رکورد ۴۵۶۵ تن (۷۰٪ تریاک جهان) رسید. در سال ۲۰۰۰، امارت اسلامی کشت خشخاش را ممنوع کرده و تولید را به شدت کاهش داده است (تا ۱۸۵ تن در ۲۰۰۱). پس از حمله نظامی امریکا و متحدانش در ۲۰۰۱، تولید دوباره به ۳۴۰۰ تن افزایش یافت و در تمام ولایت‌ها گسترش پیدا کرد. تولید در دوران اوباما به اوج خود (۹۰۰۰ تن در ۲۰۱۷) رسید که ۴۳ برابر قبل از حضور امریکا بود و عمدتاً در مناطق تحت کنترل نیروهای ناتو متمرکز بود. پس از بازگشت مجدد امارت اسلامی به قدرت در ۲۰۲۱، آنها بار دیگر کشت و قاچاق مواد مخدر را ممنوع کردند. در نتیجه، سطح کشت خشخاش در ۲۰۲۳ حدود ۹۵٪ کاهش یافت (به ۱ هزار هکتار) و تولید تریاک به ۳۳۳ تن سقوط کرد. اکنون ۲۰ ولایت عاری از کشت خشخاش هستند و عملیات‌های منظمی علیه قاچاق مواد مخدر انجام می‌شود. این کاهش باعث کاهش قابل توجه حجم هیروئین ضبط شده در بازار روسیه (از ۱٫۴ تن به ۳۱۹ کیلوگرام) از سال ۲۰۲۱ شده است.»^۳ چنانچه ملاحظه می‌شود آنچه در این زمینه خیلی برجسته‌سازی شده افزایش کشت مواد مخدر در سال‌های حضور امریکا در افغانستان است. می‌شود این گونه برداشت کرد که نویسنده به صورت تلویحی خواسته افزایش کشت مواد مخدر را یکی از سیاست‌های امریکا در افغانستان به دو منظور ارزیابی کند. اول به منظور تجارت و دیگر به عنوان یک سلاح علیه کشورهای چوین روسیه. در ادامه موضوع مواد مخدر نویسنده یادآور می‌شود که علی‌رغم توفیق امارت اسلامی در کاهش شدید تولید تریاک، قاچاق مواد مخدر در افغانستان با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. به عقیده نویسنده به جای تریاک و مشتقات آن، تولید مواد افیونی مصنوعی بسیار قوی و کشنده‌تری مانند «نیتازن‌ها» در افغانستان افزایش شدید یافته است. در این زمینه شویگو به افزایش ۷۵ درصدی ضبط متامفتمین در سال ۲۰۲۴ در افغانستان و کشورهای همسایه استناد می‌کند اما خاطرنشان می‌کند که کانون تولید این مواد به منطقه به

اصطلاح «مثلث طلایی» یعنی جایی که مرزهای سه کشور تایلند، میانمار و لائوس به هم می‌رسند، در حال جابجایی است.⁴

موضوع آخری و خیلی مهمی که شویگو به آن پرداخته است، مسئله حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان می‌باشد. شویگو که میان تولید مواد مخدر و گروه‌های تروریستی باور به رابطه همبسته دارد نوشته است: «بر اساس ارزیابی ما حدود ۲۰ گروه تروریستی بین‌المللی با بیش از ۲۳ هزار جنگجو در افغانستان فعال هستند. داعش خراسان (شاخه افغانستان داعش) نگرانی اصلی است و پایگاه‌هایی در شرق و شمال کشور دارد. کابل علیه این گروه‌ها عملیات نظامی انجام می‌دهد، اما تحریم‌های تنبیهی غربی مانع اثربخشی بیشتر این مبارزه شده است. انتقال جنگجویان به افغانستان با هدف بی‌ثبات کردن منطقه و ایجاد ناامنی در مرزهای روسیه، چین و ایران انجام می‌شود. دلیل‌هایی وجود دارد که باور کنیم پشت این اقدامات، سازمان‌های اطلاعاتی چندین کشور غربی قرار دارند. ناامنی در نزدیکی روسیه، چین و ایران از طریق گروه‌های افراطی متخاصم با امارت اسلامی هستند. همچنان واضح است که قدرت‌های غربی که مواضع خود در جبهه افغانستان را از دست داده‌اند، در حال طرح‌ریزی برای بازگرداندن زیرساخت‌های نظامی ناتو به منطقه هستند. تلاش برای بازگرداندن ناتو به منطقه که با وجود اعلام رسمی عدم به رسمیت شناختن امارت اسلامی با سفرهای مکرر دیپلماتیک به کابل همراه شده است. غرب با وجود شعارها، در حال مانور برای حفظ نفوذ در افغانستان و استفاده از تروریسم به عنوان یک ابزار برای فشار بر رقبای جیوپلیتیک خود است.

تحلیل محتوای مقاله

آنچه را که سرگئی شویگو به عنوان دبیر شورای امنیت ملی روسیه در مورد افغانستان نوشته است به هیچ وجه نمی‌توان دیدگاه شخصی یک فرد ارزیابی کرد. تمام مواردی که در مقاله آمده است در یک نگاه تعمیم‌گرایانه دیدگاه کلی کرملین تا شخص ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در خصوص افغانستان است. در گام اول اینکه شویگو تمام مسئولیت بازسازی افغانستان را به دوش کشورهای غربی می‌گذارد، دو پیام عمده دارد: اول اینکه از نظر روس‌ها افغانستان پس از بیست سال حضور پرمصرف امریکایی‌ها که به دو تریلیون دالر می‌رسید، به کشوری خرابه تبدیل شده است. به این معنا که امریکا تحت عنوان بازسازی افغانستان وارد این کشور شد اما نتیجه حضور بیست ساله‌اش خرابی این کشور را در پی داشت. پیام دوم این است که روس‌ها با تکرار این دیدگاه هیچ مسئولیتی در بازسازی افغانستان به عهده نگرفته و در آینده هر مشکلی را در افغانستان به همان آدرس ارجاع می‌دهند.

موضوع دومی که شویگو به آن اذعان کرده، سیاست خارجی تعامل محور امارت اسلامی است. پس از استقرار امارت اسلامی سیاست خارجی امارت اسلامی بر اساس اصل تعامل مثبت با کشورهای دیگر اعلان گردید و در موافق و مطابق با آن در عمل نیز آنر به منصفه اجرا گذاشت. هرچند اکثر کشورها به این امر واقف شده اند اما اینکه این موضوع توسط مقامی بلندپایه کشوری چون روسیه تبلیغ می شود، می تواند پرستیز امارت اسلامی را در محافل سیاسی جهانی بالا ببرد.

در خصوص وضعیت مواد مخدر دیگاه این مقام روسی تقریباً متناقض است. از یک طرف سیاست های امارت اسلامی را در کشت و تولید مواد مخدر زراعتی می ستاید اما از طرف دیگر افغانستان را مرکز تولید مواد مخدر صنعتی قلمداد می کند. پایه استدلال او هم ضبط رقم بالای مواد مخدر صنعتی در کشورهای همسایه است. اولاً که امارت اسلامی اگر موفق شده کشت و تولید مواد مخدر زراعتی را کاهش دهد، پس چطور در زمینه تولید مواد مخدر صنعتی عاجز مانده است یا اگر منظور شویگو این است که امارت اسلامی خود در چنین کاری دست دارد بازهم تناقض یک بام دو هوا پیش می آید. از طرف دیگر پایه استدلالی شویگو هم محل شک دارد. اینکه میزان ضبط مواد مخدر صنعتی در کشورهای همسایه افغانستان زیاد شده، نمی تواند بیانگر این باشد که تولید آن در افغانستان صورت گرفته است. واقعیت میدانی در افغانستان حاکی از آن است که امارت اسلامی با تولید هرگونه مواد مخدر مبارزه می کند و این واقعیت را می توان در عمل و از طریق مشاهدات میدانی و مستقیم ملاحظه کرد. جدا از هر مسئله ای اظهار نظر این مقام روسی به اساس امار و گزارش هایی است که از منابع غیر مستقیم به دست وی رسیده است و این ناممکن نیست که آمار ارائه شده بیشتر از نشان دادن اصل واقعیت، جنبه سیاسی داشته باشد.

در خصوص مسئله حضور گروه های تروریستی نیز این مقام روسی همان ادعا را تکرار کرده که چندین سال است توسط منابع گوناگون ارائه می شود. چندین سال است که همه ادعا می کنند که در افغانستان بیش از بیست گروه تروریستی وجود دارد ولی هیچ منبعی سند متقنی در این زمینه ارائه نمی کند. از طرف دیگر در این چندین سال هیچ فعالیت ملموسی چه در داخل افغانستان و چه در بیرون از افغانستان از آدرس یکی از این بیست گروه تروریستی (البته بحث داعش جداست که به آن پرداخته می شود) مشاهده نشده است. پس پرسشی که مطرح می شود این است که این بیست گروه تروریستی در افغانستان مصروف چه کاری هستند. فقط می خورند و می خوابند؟! واقعیت امر این است که این ادعاها همه بی محتوا بوده و بیشتر جنبه سیاسی دارند تا بازتاب یک واقعیت عینی. می ماند بحث داعش؛ داعش گروه بین المللی است که امروزه در کشورهای زیادی حضور و فعالیت دارد. در افغانستان این گروه در زمان حکومت قبلی حضور و فعالیت گسترده داشت اما پس از حاکمیت دوباره امارت اسلامی در افغانستان مبارزه علیه داعش به شدت شروع شد و هسته های مرکزی و مراکز سازماندهی این گروه متلاشی شد. نشانه عملی آن تغییر تکتیک داعش از حضور جغرافیایی

و تصرف جغرافیا به حمله‌ای موردی بود. هکذا کاهش حملات داعش در سال‌های اخیر نیز نشان‌دهنده تضعیف شدید این گروه در افغانستان است که البته این مقام روسی نیز به این امر تاحدودی ازان کرده است. بحث قابل توجهی که در یادداشت شویگو در زمینه گروه‌های تروریستی وجود دارد، دراز کردن انگشت اتهام به سوی کشورهای غربی است. به باور شویگو مبارزه امارت اسلامی بر اساس چند عامل در مقابل داعش، به دلیل تحریم‌های غربی و فرستادن جنگجویان این گروه از خارج به افغانستان، چندان موفقیت آمیز نبوده است. در زمینه تأثیر تحریم‌ها حرفی درستی زده است. تحریم‌های غربی نه تنها مبارزه با داعش را متأثر کرده است بلکه تمام بخش‌ها را در افغانستان ضربه زده است. هرچند اینکه دست غربی‌ها در پرورش گروه‌های تروریستی دخیل است اما بحث عدم توانایی امارت اسلامی در مبارزه با گروه‌های تروریستی کم لطفی در تلاش‌های امارت اسلامی در این راستا بوده و از واقعیت‌های میدانی افغانستان یا چشم‌پوشی شده یا دچار همان خطای محاسباتی قبلی شده اند.

هدف‌شناسی روس‌ها از طرح چنین مسائلی

صرف‌نظر از واقعیت یا اغراق، دیدگاه روس‌ها نسبت به افغانستان همان است که شویگو برجسته کرده است. اما روس‌ها از طرح چنین مسائلی به دنبال چه هستند؟ اولین هدف روس‌ها تخریب چهره غربی‌ها در افغانستان است. هرچند غربی‌ها دستاورد قابل افتخاری در افغانستان نداشته و پس از بیست سال جنگ به شکل مضحکی از این کشور فرار کردند اما این فرار به معنای فراموشی افغانستان نیست بلکه از طرق دیگر و با ابزارهای جدیدتری دست از سر این کشور تا تحصیل اهداف خود برنمی‌دارند. با اینکه ملامتی غربی‌ها توسط روس‌ها قابل توجیه است، اما روس‌ها از این ملامتی نه برای افغانستان بلکه به دنبال بهره‌برداری شخصی می‌باشند. این بدان معناست که روس‌ها با بزرگ‌نمایی شکست‌ها و خراب‌کاری‌های غرب، تلاش می‌کنند عملکرد و اقدامات خود در مناطق دیگر مانند اوکراین را کم‌رنگ یا پنهان کنند. در زمینه برجسته‌سازی تولید مواد مخدر و خطرناک نشان دادن افغانستان از طریق ادعای حضور بیست گروه تروریستی، روس‌ها آسیای مرکزی را ترسانده و کشورهای آن منطقه را وادار می‌سازند تا به قدرت نظامی و استخباراتی مسکو برای نجات از خطرات ناشی از افغانستان پناه ببرند و اینکه حضور نظامی خود را در آسیای مرکزی از این طریق توجیه نمایند.

هدف دیگر این است که روسیه با طرح چنین مسائلی و اینکه در آخر همان مقاله شویگو از آمادگی روسیه برای کمک به افغانستان یاد کرده است، خواهان جلب توجه بیشتر امارت اسلامی در زمینه همکاری امنیتی و استخباراتی با مسکو می‌باشد. حتی به رسمیت شناسی امارت اسلامی توسط روسیه نیز امتیازی بود که روسیه به امارت اسلامی برای جلب همکاری بیشتر داده است. بیشتر از این شویگو از ترمیم جایگاه افغانستان

در سازمان شانگهای نیز یاد کرده که دلالت دیگری بر تمایل شدید روس‌ها برای نزدیک کردن امارت اسلامی به خودشان را دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی مقاله سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت ملی روسیه در مورد افغانستان نشان می‌دهد که وی هم به برخی از واقعیت‌ها پرداخته و هم در مواردی جدی تلاش کرده است فضا سازی کند اما جنبه فضا سازی در تحلیل وی بیشتر پررنگ است. واضح است که این مقام روسی با توجه به اهداف روس‌ها در سطح جهانی، منطقه‌ای و افغانستان دست به چنین فضا سازی زده است. آنچه ورای این فضا سازی روس‌ها به دنبالش هستند، نزدیک کردن امارت اسلامی به خود و دور کردن هر چه بیشتر آن از غرب است. واقعیت این است که روس‌ها وضعیت کنونی افغانستان را فرصت بسیار مناسب، برای دور کردن افغانستان از غرب دانسته و چنانچه ملاحظه می‌شود تکتیک‌های متنوعی را برای نزدیک کردن امارت اسلامی به خود و دور کردن افغانستان از حلقه غرب استفاده می‌کند. با اینکه چنین تمایل از جانب روس‌ها برای امارت اسلامی فرصت بسیار خوبی بوده و قدرت چانه‌زنی امارت اسلامی را در مقابل رقیب غربی روسیه افزایش می‌دهد اما در نزدیکی و اتخاذ فاصله میان این قدرت شرقی و قدرت‌های غربی شرط احتیاط حتمی است. امارت اسلامی با اتخاذ مواضع هوشمندانه مبتنی بر اصل موازنه تعامل می‌باید از هر فرصت موجود بهره‌برداری خوب در راستای استقرار ثبات و توسعه اقتصادی افغانستان نماید.

پیشنهادهای

با توجه به محتوای مقابل و اینکه مواضع رسمی روسیه در قبال افغانستان در آن بازتاب داده شده دو پیشنهاد ذیل قابل ارائه است:

1. دستگاه تبلیغاتی امارت اسلامی برای نشان دادن و مستندسازی واقعیت‌های افغانستان

به‌خصوص در زمینه منع کشت و تولید مواد مخدر و عدم حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان بیشتر فعال شوند.

2. امارت اسلامی با حفظ تعادل و توازن میان شرق و غرب می‌باید از ظرفیت‌های روسیه در

زمینه‌های مورد علاقه روس‌ها برای تأمین منافع کشور استفاده‌های مطلوب نماید.

منابع

¹. Сергей Шойгу, "Афганистан: тернистый путь к стабильности." 29/08/2025. Available at: <https://rg.ru/2025/08/29/afghanistan-ternistyj-put-k-stabilnosti.html>

². Ibid

³. Ibid

⁴. Ibid

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنامندی پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



+93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org